

سبک‌شناسی امیرمؤمنان علیه السلام در بهره‌مندی از قرآن کریم به مثابه منبع هویت‌ساز دینی در بازه زمانی حکومت

امیرمحسن عرفان*

محسن فکری فلاح**

چکیده

نقش روزافزون ادراکات هویت‌بنیان و کردارهای هویت‌مند در جامعه ضرورت توجه به سرمایه‌های اصیل دینی در جهت پدیدآوری مبانی متقن و مطمئن هویت‌سازی را مضاعف می‌سازد. از سوی دیگر ارتباط وثیق و پیوند عمیق سیره حکمرانی امیرمؤمنان علیه السلام و معارف کلام وحی موجب می‌گردد تحلیل و بررسی سیره هویت‌سازی حضرت با توجه به معارف قرآن کریم ضرورت یابد. بر همین اساس پژوهش حاضر با روش تحقیق کیفی در پاسخ به این پرسش پدید آمده است که آموزه‌های قرآنی چه جایگاهی در منظومه هویت‌سازی دینی در سیره امیرمؤمنان علیه السلام داشت. التزام به شبکه مفهومی قرآن کریم در هویت‌سازی به‌منظور سیاست‌گذاری مبتنی بر آنها از جمله اقداماتی است که در سیره حضرت صورت پذیرفت. همچنین توسعه نگرش نسبت به سنت‌های الهی و کاربست آنها در جهت تقویت هویت دینی جامعه، بخش دیگری از کارکرد آموزه‌های قرآنی در سیره هویت‌سازی حضرت را پدید آورد. در ساحت اقدامات تمایزبخش نیز به‌منظور تعیین مرزهای دقیق هویتی بهره‌گیری از آیات مختلف برای افشای ماهیت دشمنان از دیگر اقدامات حضرت بود.

واژگان کلیدی

امیرمؤمنان، سبک‌شناسی، هویت، هویت دینی، قرآن کریم، حکومت.

amir.m.erfan62@gmail.com

*. استادیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی.

** کارشناسی ارشد مدرسی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی دانشگاه معارف اسلامی. (نویسنده مسئول)

mohsenfekrifallah@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۲۲

طرح مسئله

هویت ادراکی است آگاهانه، که برآیند اشتراکات و افتراقات گوناگون فرد و جامعه بوده و حس تعلق و تعهد را در پی دارد. انفکاک ناپذیری هویت از انسان اقتضاء آن دارد که وجودش به صورت پیشینی و به نحو مشترک برای همه افراد حاصل باشد ولی تحقق و تداومش به جریان منحصر به فرد زندگی هر شخص و جامعه مرتبط است. هویت اولیه و نهادینه شده «فطرت الله» سرآغاز فرآیند هویتی انسان است و هویت نهایی در جریان مستمر زندگی و از طریق نوع رابطه‌ای که انسان با حق برقرار می‌سازد تعیین می‌شود.^۱ بررسی حوادث و جریانات پس از رحلت رسول الله ﷺ بیانگر آن است که در مقابل هجوم «هویت برانداز»های مختلف در صدر اسلام که «فروکاست» تأثیرپذیری جامعه از قرآن، اکتفا به قرائت آن و همچنین برجسته کردن نقش عناصر یهود و نصاری را دنبال می‌کردند و نتیجه‌اش تضعیف جایگاه کلام وحی در فرآیند شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی مسلمین شد، قرآن کریم به‌عنوان «سند هویتی» جامعه اسلامی در راهبرد هویت‌سازی امیرمؤمنان ﷺ، مورد توجه قرار گرفت چراکه منبعی می‌تواند هویتی مطمئن و دور از خطا برای انسان بنا نهد که خود به دور از خطا بوده باشد. از سوی دیگر شخصی می‌تواند اجرای این برنامه را عهده دار شود که با توجه به ذو وجوه بودن این کلام آسمانی، «ترجمان صحیح» آن^۲ را به جامعه ارائه نماید و خود با قرآن قرین و همراه باشد و براساس روایت رسول الله ﷺ «علي مع القرآن و القرآن مع علي»^۳ تنها امیرمؤمنان ﷺ شایسته این کار است. بر این اساس پژوهش حاضر در جهت پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی نگاشته شده است که آموزه‌های قرآنی چه جایگاهی در فرآیند هویت‌سازی مطلوب در سیره امیرمؤمنان علی ﷺ داشته است. فرضیه تحقیق بر این مبنا استوار است که علاوه بر معرفی قرآن کریم به‌عنوان منبع بی‌بدیل هویت‌ساز، کاربست آیات در گفتمان حضرت به مثابه سند هویت‌سازی مدنظر قرار گرفت و بازتعریف مفاهیم هویتی با استفاده از کلام وحی به منظور سیاست‌گذاری، بهره‌مندی از آیات برای خلق انگیزش هویتی و همچنین تقویت مرزبندی‌های هویتی با بهره‌گیری از معارف وحی به‌عنوان بخشی از راهبرد امام در هویت‌سازی اتخاذ شد.

پیشینه‌شناسی پژوهش

با بررسی پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه به نظر می‌رسد اثری مشابه با این نگاشته به نگارش درنیامده است لکن می‌توان با توجه به نقش آیات قرآن کریم در هویت‌سازی و همچنین سیره هویت‌بخش

۱. علم الهدی، «هویت از منظر قرآن و فلاسفه»، *مجله بینات*، ش ۵۵، ص ۲۲۷ - ۲۲۶.

۲. *نهج البلاغه*، خ ۱۲۵.

۳. *المرعشی التستری، احقاق الحق و ازهاق الباطل*، ج ۵، ص ۶۳۹.

امیرمؤمنان آثار زیر را هم سو و هم جهت با پژوهش حاضر قلمداد نمود:

کتاب **هویت اجتماعی در نگره امام علی علیه السلام** نوشته مرضیه محمص که نگارنده در فصل سوم به بررسی هویت اجتماعی در کلام حضرت امیر علیه السلام پرداخته است و سه مؤلفه همگرایی اعضای جامعه در باورها، همگرایی در عواطف و پابندی اعضای جامعه به رفتارهای شایسته را مهم‌ترین آنها قلمداد کرده است. مقاله «صورت‌بندی هویت در گفتمان توحیدمحور قرآنی» نوشته سید حسین فخر زارع که به محورهای هویت، مرجع تشخیص هویت و اوصاف هویت با استفاده از آیات و تفاسیر می‌پردازد. مقاله «ثمرات فردی اجتماعی هویت دینی با تاکید بر معارف قرآن کریم و روایات» نوشته نرگس شکرپیگی که نویسنده شخصیت‌سازی، تقویت روحیه حمایت‌گری و تاب‌آوری را از مهم‌ترین ثمرات هویت دینی می‌داند.

بنیادهای مفهومی

یکم. مفهوم هویت

هویت، مفهومی چندبعدی است و به درک و تلقی مردم از اینکه چه کسی هستند و چه چیزی برایشان معنادار است مربوط می‌شود. این درک و تلقی‌ها در پیوند با خصوصیات معینی شکل می‌گیرد که بر سایر منابع معنایی اولویت دارند.^۱ هویت در ظاهر دو معنای متناقض همسانی و یکنواختی مطلق از یک‌سو و تمایز و تفاوت از سوی دیگر با لحاظ ثبات یا تداوم در طول زمان را توأمان در بردارد.^۲

دوم. مبانی هویت

۱. فطرت بنیان بودن هویت
اسلام انسان را دارای هویتی دویعدی می‌داند: «بعد فطرت» و «بعد طبیعت» و لذا انسان تهی از ارزش و گرایش نیست^۳ و به حسب حقیقت و فطرت خود قبل از آنکه با پدیده‌های تاریخی‌ای ارتباط داشته باشد که از مسیر عمل و اراده او شکل گرفته‌اند و قبل از آنکه با موجودات مقید و محدود ارتباط و تعامل داشته باشد با هستی نامحدود و مقدسی ارتباط دارد که به دلیل تعالی و نامحدود بودن خود همه جا حضور دارد.^۴

۱. گیدنز، جامعه‌شناسی، همکاری کارن بردسال، ص ۴۶.

۲. گل محمدی، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، ص ۲۲۲.

۳. رشاد، دموکراسی قدسی، ص ۲۵۹.

۴. پارسانیا، جهان‌های اجتماعی، ص ۱۷۵ - ۱۷۴.

۲. برآیندی بودن هویت

شکل‌گیری و تبلور، تداوم و استمرار و حتی تغییر و تحول هویت در اثر فرایندهای اجتماعی شکل می‌گیرد و فرایندهای اجتماعی نیز که هم در تشکیل و هم در حفظ هویت دخیل‌اند برحسب ساختار اجتماعی تعیین می‌یابند.^۱

غالب هویت‌های اجتماعی مرکب از چند خصوصیت هستند و یک شخص می‌تواند در آن واحد چند خرده هویت از اقسام هویت را داشته باشد. هویت‌های اجتماعی چندگانه انعکاسی از ابعاد متعدد زندگی مردم است هرچند که این کثرت هویت‌های اجتماعی می‌تواند منبع بالقوه‌ای برای تضاد و تنش در زندگی مردم باشد اکثر افراد معناها و تجربه‌های زندگی خود را حول یک هویت اصلی سازمان‌دهی می‌کنند، هویتی که در طول زمان و مکان دوام و استمرار دارد.^۲ در نتیجه آنچه از مجموع این خرده شخصیت‌ها به دست می‌آید هویت را پدید می‌آورد بنابراین هویت، برآیند آن ویژگی‌ها و خصوصیات است نه خود ویژگی‌ها و مجموع آن ویژگی‌ها پدیدآورنده «هویت» است. هویت یک امر یکپارچه‌ای است که نمی‌تواند متفرق باشد و لذا آن ویژگی‌ها، مکنون‌های هویت هستند نه خود هویت.^۳

۳. اجتماع محور بودن هویت

هویت فردی جدا از سپهر اجتماعی دیگران معنادار نیست. افراد یگانه و متفاوت هستند اما هویت آنها در اجتماع ساخته می‌شود یعنی در فرایندهای اجتماعی شدن افراد خود و دیگران را تعریف و بازتعریف می‌کنند. در نتیجه احساس هویت فردی نیز به واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد.^۴ بنابراین بررسی هویت افراد فارغ از بررسی هویت اجتماع قابل‌پذیرش نیست.

از سوی دیگر جامعه هنگامی از هویت برخوردار است که به رغم کثرت اعضا در بخش‌های مختلف خود دارای یک جهت وحدت باشد و چون معرفت در قوام جامعه دخیل است آن جهت وحدت هنگامی در جامعه حضور می‌یابد که در آگاهی به معرفت و اراده‌ای که بر آن آگاهی استوار است جهت وحدت وجود داشته باشد.^۵

سوم. انواع هویت

هویت را می‌توان در دو سطح خرد و کلان تحلیل نمود. معیار سطح تحلیل، موضوعی است که درباره

۱. نظری، «تبیین مفهوم هویت از چشم‌انداز گفتمانی»، *راهبرد*، ش ۴۹، ص ۱۷۰.

۲. گیدنز، *جامعه‌شناسی، همکاری کارن بردسال*، ص ۴۶.

۳. رشاد، *سایت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی*، ۱۳۹۷ - ۰۴ - ۲۵، <http://iiict.ac.ir>.

۴. نظری، «تبیین مفهوم هویت از چشم‌انداز گفتمانی»، *راهبرد*، ش ۴۹، ص ۱۷۰.

۵. پارسانیا، «علم و هویت»، *اسراء*، ش ۱، ص ۳۱.

هویت آن گفتگو می‌شود. اگر موضوع بحث هویت، «فرد» باشد سطح تحلیل خرد است و اگر بحث ناظر به هویت «جامعه» باشد سطح تحلیل کلان خواهد بود.^۱

روان‌شناسان و نظریه‌پردازان شخصیت به سطوح خرد هویت پرداخته و آن را در درجه نخست امری فردی و شخصی می‌دانند و معتقدند هویت عبارت است از احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی؛ هرچند اکثر این دسته از نظریه‌پردازان هویت اجتماعی را انکار نمی‌کنند بلکه این دو نوع هویت را متمایز و مستقل از یکدیگر قلمداد می‌کند. در مقابل، جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی بر این واقعیت تاکید کنند که احساس هویت (فردی) به واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد. آنها کم‌وبیش می‌پذیرند که هویت معمولاً در نگرش‌ها و احساسات افراد نمود می‌یابد ولی بستر شکل‌گیری آن زندگی جمعی است.^۲

هویت‌های اجتماعی مشخص می‌کنند که افراد چگونه و از چه نظر شبیه دیگران هستند. هویت‌های مشترک که بر مبنای مجموعه‌ای از اهداف، ارزش‌ها یا تجربه‌های مشترک بنا می‌شود می‌تواند شالوده مهمی برای جنبش‌های اجتماعی تشکیل دهد.^۳ هویت‌های اجتماعی بر اساس مؤلفه‌های گوناگونی نظیر زبان، قومیت، ملیت، فرهنگ و دین به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شوند.

ارتباط دیرین و انفکاک‌ناپذیر انسان با دین باعث می‌شود از میان تمام مؤلفه‌های هویت‌ساز، دین سهم تقویمی اساسی در هویت انسان داشته باشد. رکن اصلی هویت دینی تعهد و پایبندی به دین بوده و هویت دینی نشان‌دهنده احساس تعلق و تعهد به دین و جامعه دینی است. مهم‌ترین دستاوردهای این قسم از هویت، پاسخ دادن به پرسش‌های بنیادی، جهت بخشیدن به زندگی، وحدت اعتقادی و معنی بخشیدن به جهان است.^۴ احساس تعلق و اتکای افراد به نظامی الهی و دینی، سوگیری‌های رفتاری و گفتاری را تعیین می‌نماید و موجب تمایز فرد یا جامعه دینی از «غیر» می‌گردد و هویت دینی را رقم می‌زند.

چهارم. هویت‌سازی

از آنجاکه هویت معطوف به بازشناسی مرز میان خودی و بیگانه و ترسیم مرزبندی‌ها است، فرایند هویت‌سازی نیز از طریق هم‌سنجی‌های اجتماعی و انفکاک درون‌گروه از برون‌گروه‌ها ممکن می‌شود.^۵

۱. افروغ، مبینی مقدس، «بحران هویت فرهنگی؛ رویکردهای سازه‌گرا و ذات‌گرا»، پژوهش‌های فرهنگ و تربیت اسلامی، ش ۱، ص ۱۱۷.

۲. گل محمدی، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، ص ۲۲۲.

۳. گیدنز، جامعه‌شناسی، همکاری کارن بردسال، ص ۴۶.

۴. نیکنام، هویت، مبانی، نظریات، انواع و چشم‌اندازها، ص ۷۵.

۵. گل محمدی، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، ص ۲۲۴.

دستاورد هویت‌سازی آن است که این امکان را برای کنش‌گر اجتماعی فراهم می‌سازد که برای پرسش‌های بنیادی معطوف به کیستی و چیستی خود پاسخی مناسب و قانع‌کننده پیدا کند.^۱

سبک‌شناسی امیرمؤمنان (ع) در بهره‌مندی از قرآن کریم به مثابه منبع هویت‌ساز دینی به منظور روشن شدن ابعاد و زوایای هویت‌سازی امیرمؤمنان (ع) در بازه زمانی حکومت با رویکرد کلان، بایسته است سبک امیرمؤمنان (ع) را در هویت‌سازی دینی به درستی بشناسیم؛ چراکه آگاهی از آن و وقوف بر آن، به فهم دقیق این مسئله، کمک فراوانی می‌کند. سبک عبارت است از برآیند مبانی فکری، بینشی و گرایشی شخص در قالب رفتار، گفتار و نوشتار که او را از دیگران متمایز می‌کند.^۲ بر این مبنا در سبک هویت‌بخشی امام (ع)، توجه توأمان به دو ساحت ایجابی و سلبی هویت بر مبنای قرآن کریم مدنظر قرار گرفت و کلام وحی در شئون سیاست‌گذاری، مدیریت و مرزبندی هویتی مرجع هویت‌سازی لحاظ گردید.

نمودار سبک‌شناسی هویت‌سازی دینی امیرمؤمنان (ع)



۱. معرفی قرآن کریم به مثابه منبع هویت‌ساز دینی

اساساً هر نظام هویتی از خاستگاهی برمی‌خیزد و صورت‌بندی و سوگیری‌های هویتی واحدها و سازه‌های

۱. تاجیک، «انسان مدرن و معمای هویت»، *مطالعات ملی*، ش یک، ص ۲۳.

۲. عرفان، *سبک‌شناسی مواجهه امامان معصوم (ع) با مدعیان دروغین مهدویت*، ص ۵۳.

مختلف آن مجموعه بر مبنای آن، پدید می‌آید. به تعبیر دیگر وجود ظلی و سایه‌وار آن مطلوب کانونی، زیرساز و زمینه‌پرداز ساختار هر مجموعه هویتی است و کنش‌ها و واکنش‌های هویتی را برمی‌انگیزاند و گسیل می‌دارد. در عصر جاهلیت و جاهت علمی «اهل کتاب» که پشتوانه فرهنگی داشته و عرب جاهلی از آن بی‌بهره بود، سبب شد تا عرب جاهلی آنان را برتر از خود بپندارد و این احساس ضعف هویتی در موارد مختلفی بروز یافت.^۱ کما اینکه شماری از مسلمانان بعضی از مطالبی را که از یهود می‌شنیدند می‌نوشتند^۲ که نزول آیه «وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ»^۳ را در پی داشت. پس از رحلت رسول‌الله صلی الله علیه و آله، این تلقیاتی پیشینی و به تعبیری، هویت پیش‌داشته به‌وسیله نادیده‌انگاری نقش قرآن کریم در هویت‌سازی تشدید شده و بحران هویتی جامعه را سبب شد. با توجه به این آسیب‌ها در منظومه هویت‌سازی امیرمؤمنان علیه السلام بازسازی و احیای هویت مرتزق از کلام وحی با معرفی و بازتبیین جایگاه قرآن کریم آغاز شد. اولین قدم در مسیر ترغیب آحاد جامعه و فراخواندن آنان به بازگشت به قرآن، تبیین عظمت و جایگاه آن و تثبیت آن در باور افراد به‌عنوان کتاب هدایتگر^۴ است. مادامی که معرفتی شایسته و شناختی متناسب با کلام وحی در اذهان عمومی جای نگیرد پذیرش آن و عمل بر طبق آن امکان پذیر نبوده و برفرض برقراری ارتباط غلط، ادامه آن، زدگی و تنفر را در پی خواهد داشت.^۵ از این‌روی امام برای ترغیب آنان به هدایت‌یابی و بهره‌گیری از انوار این کلام آسمانی^۶ به بیان اوصاف و ویژگی‌های تکرارناپذیر قرآن کریم پرداخت. حضرت در این زمینه در موارد متعدد و به‌صورت مستمر تعابیر بسیار پرمعنا و عمیقی را نسبت به قرآن به کار بردند. تنها در دو خطبه ۱۹۸ (بیان ۴۲ صفت قرآن) و خطبه ۱۷۶ (بیان ۲۴ صفت قرآن) در مجموع ۶۶ مشخصه از صفات قرآن معرفی شده است^۷ که بهترین سخن‌ها، بهار قلب‌ها و شفای دل‌ها^۸ از جمله آنهاست.

دو. التزام به شبکه مفهومی قرآن کریم در هویت‌سازی

باتوجه به حذف مختصات هویتی قرآنی از جامعه، نهادینه شدن قرائت‌های غیرواقعی از دین، ترجیح

۱. جعفریان، *سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله*، ص ۲۲۲ - ۲۲۰.

۲. همان.

۳. عنکبوت / ۵۱.

۴. اسراء / ۹.

۵. نقی‌پورفر، *پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن*، ص ۵۷.

۶. هاشمی خوبی، *منهاج البراعة*، ج ۱۰، ص ۱۹۵.

۷. زکی، «شناخت قرآن از زبان امام علی علیه السلام در نهج‌البلاغه»، *کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین*، ص ۲۴.

۸. شریف‌الرضی، *نهج‌البلاغه*، خ ۱۱۰.

مرزهای قومی و نژادی و دوقطبی‌های کاذبی همچون دوقطبی عرب - غیرعرب در طول بیست و پنج سال پس از رحلت رسول‌الله، مفاهیم اساسی و بنیادین هویتی نیز با خوانشی متفاوت و حداقلی به جامعه عرضه شد. با تغییر مدلول مفاهیم، طبیعتاً آرمان‌ها و اهداف اجتماع نیز تحت تأثیر قرار می‌گرفت. به‌عنوان مثال وقتی مفهوم «تحزب» به «تبارگماری» و انتصابات خویشاوندی تقلیل یافت پیامدی جز سلطه چندین ساله بنی‌امیه بر امت در پی نداشت و یا هنگامی که «جهاد» به صرف مبارزه برای کسب غنائم تعریف شد نتیجه‌ای جز از بین رفتن معنویت و اخلاص و همیت دینی برای اجتماع مسلمین به بار نیاورد.

نمودار نقش تقلیل مرزبندی‌های هویتی بر شکل‌گیری هویت‌های کاذب



امام در راهبرد هویت‌سازی خویش حول مرکزیت آیات وحی معنای حقیقی و واقعی مفاهیم محوری را با استفاده از قرآن کریم برای جامعه به ارمغان آورد.

۱. تشخیص هویتی

در گفتمان مبتنی بر قرآن کریم تشخیص هویتی بر مبنای تقوا شکل می‌پذیرد و تمایزات نژادی و گروهی جایی در «کرامت هویتی» ندارند و صرفاً طریقی برای تعارف و شناخت افراد از یکدیگر می‌باشند.^۱ امری که در گفتمان‌های دیگر مطرود واقع شد و در ذیل عنوان تشخیص، مدلولاتی نظیر نژاد عرب و یا قبیله بنی‌امیه قرار داده شد و مناسبات مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بر مبنای آن صورت پذیرفت که مشکلاتی همچون اختلاف شدید طبقاتی را به وجود آورد. لازمه برابری در حقوق اجتماعی، برابری در ذات است^۲ و از همین روی نخستین و مهم‌ترین مؤلفه برابری در عرصه سیاست و اجتماع، برابری مردم در نگاه حاکمان و نخبگان سیاسی جامعه است چراکه واجد قدرت بودن موجد زمینه‌های هویت‌سازی اجتماعی است و این امکان را به حکومت‌گران می‌دهد که با تکیه بر قدرت خود ایجادکننده بسترهای برابری یا نابرابری باشند.^۳

۱. حجرات / ۱۳

۲. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۲۵۰.

۳. علیخانی، «برابری و نابرابری سیاسی در اندیشه سیاسی امام علی (ع)»، علوم سیاسی، ش ۱، ص ۷۲.

امیرمؤمنان (علیه السلام) از روزهای آغازین خلافت خویش و با استناد به آیه شریفه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» و کاربست کلام وحی در کلام خویش میزان و ملاک شخصیت‌بخشی را در جامعه با دو رویکرد سلبی و ایجابی به ظهور رسانید. رویکرد سلبی به نفی و طرد تمامی افتخارات و فضیلت‌های مرسوم و موهوم شکل گرفته در اذهان اعراب انجامید و به آحاد افراد حاضر در جامعه ترکیب یافته از نژادها و اقوام گوناگون، شخصیتی یکسان بخشید. حضرت در جهت بطلان یک پندار عمومی مبنی بر اینکه اسلام آوردن، مجوزی برای بهره‌گیری از امتیازات و اولویت‌ها است می‌فرماید:

ای گروه مهاجر و انصار! آیا با اسلام آوردن خود، بر خدا و رسولش منت می‌گذارید؟ بلکه خداوند، بر شما منت می‌گذارد شمارا به ایمان هدایت کرد، اگر راست‌گو باشید.^۱

هم‌سطح‌سازی و برقراری سیاست مساوات و برابری که اجرای آن برای حکومت حضرت بهای بسیار سنگینی داشت و برخلاف بدعت‌های نهادینه شده از زمان خلیفه دوم بود که اشراف با آن خو گرفته بودند. سیاست تساوی افراد در بیت‌المال مضاف بر جنبه اقتصادی آن، با توجه به رابطه عمیق اقتصاد و طبقه اجتماعی، پیام مهمی در رابطه با هویت اجتماعی افراد را نیز در پی داشت و آن لزوم بازگشت سران و اشراف از «هویت مبتنی بر وهم» به «هویت مبتنی بر وحی» بود. در نتیجه امام حکم به تساوی اموال بیت‌المال بین مسلمین را با همه حمله‌ها و اعتراضات اجرا نمود و فرمود: هر آن که بدان راضی نیست، به هر کجا می‌خواهد، رو کند. به درستی که بر عمل کننده به طاعت خداوندی و حکم کننده به دستورات او، بیمی نیست.^۲

بخش دوم آیه «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» رویکرد ایجابی در هویت‌بخشی را مشخص و ملاک کرامت هویتی را در جامعه معرفی می‌نماید. حضرت در خطبه خود فرمود:

کسی نزد ما فضیلتی ندارد، جز به پیروی از خداوند و پیامبر. این کتاب خدا در میان ماست و عهد و سیره پیامبر خدا، در میان ماست. از این حقیقت، جز نادانِ روگردان از حق و انکارکننده، بی‌خبر نیست.^۳

۱. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۴۰؛ اشاره به حجات / ۱۷.

۲. همان.

۳. همان.

نمودار تمایزهای «هویت مبتنی بر وهم» و «هویت مبتنی بر وحی»



۲. تحزب متعالی

در گفتمان خلافت و سپس گفتمان سلطنت، تحزب عاملی در جهت تصاحب قدرت و حفظ موقعیت به کار می‌رفت. افرادی با وجه اشتراک «منفعت‌طلبی» گرد هم آمده و به توزیع قدرت و ثروت می‌پرداختند. قوم‌گرایی افراطی و بذل و بخشش‌های بدون حساب عثمان به اقوام و خویشان و همچنین اتحاد معاویه با سران جمل تحت‌عنوان «مطالبه خون عثمان» از جمله مصادیق مهم کارکرد حزب در گفتمان منفعت و سلطنت بود و لذا مفهومی که برای حزب لحاظ گردید عبارت بود از «قبیله‌گرایی»، اما در گفتمان علوی، امیرمؤمنان (علیه السلام) با معنابخشی قرآنی به مفهوم تحزب و حزب‌گرایی مطلوب حقیقی آن یعنی «حزب‌الله» را اساس کار قرار داد.

حزب به معنای آفرینش یک پیوند آگاهانه میان افراد و تقسیم وظایف با یکدیگر^۱ است که در نتیجه آن افراد بر مبنای هدف حزب خویش هم‌رای و هم‌گام می‌شوند.^۲ تحزب و برخورداری از تشکل‌های اجتماعی سیاسی برای پویایی و پایایی یک جامعه فعال و زنده اجتناب‌ناپذیر است اما معیار رقابت حزبی در جامعه اسلامی با دیگر جوامع تفاوت اساسی دارد. حب و بغض‌ها و سوگیری‌ها بر محور آیین و اجرای احکام الهی می‌باشد و در نتیجه انسان موحد در اقدامات فردی، سلیقه‌های خانوادگی، تحرکات اجتماعی و... رضایت و عدم رضایت الهی را مدنظر قرار می‌دهد.^۳

۱. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۸، ص ۷۶۸.

۲. دغیم، موسوعة مصطلحات فخرالدین الرازی، ص ۲۶۸.

۳. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۳، ص ۷۷ - ۷۶.

مؤلفه حزب در متن هویت «سهم تقویمی» دارد و تعلق انسان به هر حزبی کردار و رفتار او را جهت می‌بخشد. افزون بر این، می‌توان گفت مخاصمه و صف‌بندی در معنای حزب اخذ شده است کما اینکه این تقابل را می‌توان از خوشحالی هر حزب به آنچه در پیش خودشان است استنتاج نمود.^۱ «كُلُّ حِزْبٍ يَمَّا لَدَيْهِمْ فَرْحُونُ»^۲ بر مبنای تقسیم‌بندی قرآنی بشریت به دو حزب تقسیم می‌گردد: «حزب‌الله» و «حزب الشیطان» و این دسته‌بندی محصور به زمان نزول قرآن یا صدر اسلام نیست بلکه در دوران مختلف در قالب صورت‌ها و ساختارهای مقتضی، ظهور و بروز می‌یابد.^۳ هر فرد یا جزء حزب‌الله است و تحت بیرق حق قرار می‌گیرد و یا جزء حزب شیطان است و تحت پرچم باطل قرار دارد. آنچه وجه تمایز این دو هست تنها عقیده است نه نسب و قرابت و قومیت و... در نتیجه افرادی که در حزب‌الله قرار گیرند فارغ از اختلافات رنگ و نژاد و... در مسیر الهی برادرند.^۴

در دو آیه از قرآن مجید اشاره به حزب‌الله شده است. یکی از آنها آیه ۵۶ سوره مائده است.^۵ باتوجه به اینکه حزب حکایت‌گر یک نوع هم‌بستگی و اجتماع برای تأمین اهداف مشترک می‌باشد و همچنین بهره‌گیری از تعابیر غالبون و غلبه که نشان از ارتباط آن با حکومت اسلامی است بنابراین ولایت در آیه نیز نه یک دوستی ساده و عادی بلکه به معنی سرپرستی و حکومت و زمامداری اسلام و مسلمین است.^۶ علاوه بر آن، بعد از بیان مسئله «ولایت»، حکم به وجوب اطاعت خدا و اطاعت رسول و آن کس که در حال نماز زکات پرداخته (امیرمؤمنان (علیه السلام)) در این آیات قرار گرفته است. بنابراین، این آیات نه تنها در مقام تعریف مفهوم حزب‌الله است بلکه مصداق واقعی و حقیقی آن را نیز معرفی می‌نماید. آیه دیگر، آیه ۲۲ سوره مجادله است.^۷ این فراز، ویژگی‌هایی از جمله ایمان به خدا و روز قیامت، دوستی نکردن با دشمنان خدا و رسول او (هرچند که آن دشمنان پدران فرزندان برادران یا عشیره آنان باشند) و رضایت طرفینی با خدا را برای حزب‌الله بیان می‌کند.^۸

با بهره‌گیری از این مفاهیم قرآنی حضرت در کلام خویش «انجام مسئولیت‌های واجب»، «صبر در سختی‌ها

۱. همان، ص ۷۵ - ۷۴.

۲. روم / ۳۲؛ مؤمنون / ۵۳.

۳. مکارم شیرازی، *نفحات الولاية*، ج ۲، ص ۱۴.

۴. سید قطب، *فی ظلال القرآن*، ج ۶، ص ۳۵۱۵.

۵. وَمَنْ يَتَوَكَّلْ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ.

۶. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۴، ص ۴۲۳.

۷. المجادله / ۲۲.

۸. جوادی آملی، *ادب فنای مقریان*، ج ۳، ص ۷۵ - ۷۴.

در راه خدا» و «نیایش و ذکر پروردگار در دل شب» را از جمله خصال و خصائص حزب‌الله برمی‌شمارد.^۱ از سوی دیگر با وجود اینکه مصداق واقعی حزب‌الله در کلام رسول‌الله در موارد متعددی^۲ نظیر «یا علی جزبک حزب‌الله»^۳ معین گردیده بود، در فضایی که گفتمان‌های خصم با تمام توان به فتنه‌انگیزی و شبهه‌افکنی مشغول بودند بازتیین مصداق واقعی حزب‌الله رویکرد دیگری بود که می‌توانست جامعه را در مسیر خروج از تزلزل هویتی کمک نماید. امام در نکوهش افرادی از کوفیان که به یاری حضرت اقدام نکردند فرمود: «آن کسانی از شما که از یاری من کوتاهی نمودند ملامت و نکوهش می‌کنم و شما آنان را از خود برانید و در سرزنش آنان آنچه را بدان‌ها بگویید که از شنیدنش کراهت دارند و آن را ناخوش می‌دانند که حزب‌الله هنگام جدایی آنان بازشناخته خواهد شد.»^۴ همچنین حضرت در کلام دیگری فرمود: «حزب ما حزب خداست و گروه سرکش گروه شیطان‌اند. هر کس ما و دشمنان ما را یکسان بداند از ما نیست.»^۵

۳. تعلق آگاهانه

تعلق عبارت از وابستگی و ارتباط میان دو امر است و پیوند چیزی به چیز دیگر از جهت نیازی که متعلق به متعلق به دارد و آن برحسب قوت و ضعف و نحوه ارتباط و وابستگی متفاوت است.^۶ این تعلق و پیوند، تبعیت‌آفرین است و ثمره تبعیت و پیروی آن است که تابع را به متبوع ملحق می‌کند. در فرایند هویت‌سازی دینی تبعیت برخاسته از معرفت، محبت طرفینی را پدیدار می‌سازد، مرزهای هویتی را پایدار می‌نماید، و در نتیجه پیرو پیامبر که محب آن حضرت است محبوب پیامبر نیز خواهد بود.^۷ کما اینکه امام افرادی را که نه از بنی‌هاشم بودند و نه حتی از نژاد عرب، به سبب ایمان والا و اعمال صالحشان جزء اهل‌بیت پیغمبر^ﷺ برشمرد. در حدیثی از امام باقر[] می‌خوانیم که امیر مؤمنان[] به ابوذر فرمود:

ای ابوذر، سلمان دری است از درهای (رحمت) الهی در زمین هر کس او را درست بشناسد مؤمن است و هر کس او را انکار کند کافر است و سلمان از ما اهل‌بیت است.^۸

۱. شریف‌الرضی، نهج‌البلاغه، ن ۴۵.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۸، ص ۱۱۱.

۳. ابن‌بابویه (الصدوق)، الأمالی، ص ۱۶.

۴. منقری، وقعه‌الصفین، ص ۴.

۵. طوسی، الأمالی، ص ۲۷۰.

۶. سجادی، فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، ج ۱، ص ۵۴۹.

۷. جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۴، ص ۴۴ - ۴۳.

۸. کشی، اختیار معرفة الرجال، ص ۱۵.

از سوی دیگر در مکتب قرآن کریم حتی نزدیک‌ترین پیوند با انبیای الهی در صورت پیروی از کفر و ارتکاب عصیان بی‌اعتبار قلمداد می‌شود: «يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ»^۱. به این ترتیب رابطه‌ها بدون ضابطه‌ها در اسلام کمرنگ یا بی‌رنگ می‌شود.^۲

حضرت امیر با استفاده از آیه شریفه «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ»^۳ وابسته‌ترین و نزدیک‌ترین افراد به رسول‌الله را افرادی عنوان می‌نماید که خدای را فرمان برد، هرچند پیوند خونی او با آن حضرت دور باشد و نیز بی‌تردید دشمن محمد کسی است که خدای را نافرمانی کند، هرچند با پیامبر خویشاوندی نزدیکی داشته باشد.^۴

این پیوند عمیق و تعلق امری است فرازمانی و فرامکانی که محدودیت‌های مادی را درمی‌نوردد. حضرت در پاسخ یکی از یارانش که آرزوی حضور برادرش را در معرکه جنگ جمل داشت فرمود: «آیا برادرت را گرایش با ما است؟!» او در پاسخ عرض کرد: «آری» امام فرمود: «پس بی‌تردید، در این صحنه با ما است که ما را در این اردوگاهمان کسانی همراه‌اند که اینک در پشت‌های پدران و زهدان‌های مادران‌اند و در آینده‌ای نه چندان دور، تاریخ به صحنه‌شان می‌آورد و ایمان را با حضورشان توانمند می‌سازد».^۵

۴. تعهد مسئولانه

«زیست مؤمنانه» در سپهر نظام دینی مقتضی است نوع نگرش به امور و وظایف اجتماعی به خصوص امور مربوط به حکومت از منظر دین صورت پذیرد. حکومت و قدرت اگر ملازم با تعهد نباشد لغزشگاهی می‌شود برای افرادی که دچار «حرمان ایمان» شده‌اند و هرآینه خطر «تزلزل هویتی» را به جامعه منتقل می‌کند. این خطر در صورتی که با توجیه همراه شود مضاعف می‌گردد. در نگاه گفتمان سلطنت به حکومت، توجیه توزیع ناصحیح قدرت و ثروت در جامعه با صله رحم صورت پذیرفت^۶ در نتیجه هیچ عامل بازدارنده‌ای برای خاموش نمودن حرص و طمع زمامداران و اطرافیان کارساز نبوده و نتوانست مانع طغیان نفس شود. اما در مقابل، در گفتمان امیرمؤمنان (علیه السلام) حکومت و قدرت به مثابه «امانت» در نظر گرفته می‌شود و تعهد نسبت به آن عامل بازدارنده از سوءاستفاده محسوب می‌گردد. امانت‌داری از جمله صفات برجسته انسانی است که می‌تواند سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی را به ارمغان آورد. واژه امانت در اصل

۱. هود / ۴۶.

۲. مکارم شیرازی، پیام امام امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۱۲، ص ۵۶۷.

۳. آل عمران / ۶۸.

۴. شریف الرضی، نهج البلاغه، ح ۹۶.

۵. همان، خ ۱۲.

۶. ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۳۵.

از امن به معنای آرامش و اطمینان گرفته شده است و اگر امانت‌داری در یک جامعه به‌طور صحیح و کامل رعایت شود موجب آثار درخشان از جمله آرامش فکر و استحکام روابط و افزایش اعتماد می‌شود.^۱ امیرمؤمنان علیه السلام در کلام نورانی خویش می‌فرماید:

بدان ای رفاعة، که این حکومت امانتی است که هرکس به آن خیانت کند، لعنت خدا تا روز قیامت بر او باشد و هرکس خائنی را استخدام کند و بر سرکار نهد محمد صلی الله علیه و آله از او در دنیا و آخرت بیزار است.^۲

دایره امانت برخلاف پندار بعضی که آن را محدود به امور جزئی مالی می‌دانند بسیار وسیع است که برخی از مصادیق آن طبق آیات و روایات عبارت‌اند از: اموال و ثروت مردم،^۳ پست و مقام،^۴ اعضا و جوارح و جان،^۵ مجالس و محافل دوستانه،^۶ وحی الهی،^۷ دین و قرآن.^۸ بنابراین هر چیزی که به منظور استفاده صحیح از آن و بازگرداندن به صاحب اصلی یا رساندن به‌دست دیگران در اختیار انسان قرار داده شده امانت است و هرکس به مقتضای شغل و زندگی خود امانت‌های متعددی را در اختیار دارد که باید از آنها حراست نماید.^۹ در اصطلاح قرآن هرکسی هر کاری را که به جامعه تعلق دارد اگر خوب انجام ندهد در امانت خیانت کرده است.^{۱۰}

تطبیق امانت بر مسئولیت در کلام امام گواه آن است که هرگونه تعهدی خواه باشخصیت حقیقی یا حقوقی امانت است^{۱۱} و هرقدر ارزش امانت بیش‌تر باشد امانت‌داری مسئول نیز باید قوی‌تر باشد.^{۱۲} و اگر در این امانت خیانت نماید خود را در پرتگاه رسوایی قرار داده است چراکه به فرموده حضرت بزرگ‌ترین خیانت‌ها، خیانت به امت و چندش‌آورترین ناراستی‌ها، ناراستی با رهبران است.^{۱۳}

۱. خضری، «جلوه‌هایی از بینامتنیت قرآنی در نهج البلاغه»، همایش بینامتنیت (التناص)، ج ۳، ص ۲۸۸ - ۲۸۷.

۲. ابن‌حیون، دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۱.

۳. بقره / ۲۸۳.

۴. شریف الرضی، نهج البلاغه، ن ۵.

۵. همان، خ ۲۱۵.

۶. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۶۰.

۷. شریف الرضی، نهج البلاغه، خ ۱۷۳.

۸. همان، خ ۲۶.

۹. جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ج ۱، ص ۳۰۶ - ۳۰۵.

۱۰. مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۷، ص ۷۴۱.

۱۱. جوادی آملی، تسنیم، ج ۱۹، ص ۲۳۳.

۱۲. جوادی آملی، نسبت دین و دنیا، ص ۱۲۹.

۱۳. شریف الرضی، نهج البلاغه، ن ۲۶.

۵. کنشگری فعالانه

با روی کار آمدن گفتمان خلافت، جهاد در نزد عموم مسلمین به مبارزه در مرزهای سرزمین اسلامی برای فتوحات خلاصه گشت و به مرور زمان از انگیزه‌های معنوی آن کاسته شده و بر اغراض مادی افزوده شد. این نگاه حداقلی به جهاد در باور مردم جای گرفت و مدلول مدنظر گفتمان خلافت ذیل عنوان جهاد قرار داده شد. اما در سیره امام، جهاد به گونه‌ای معنا می‌گردد که علاوه بر شمولیت آن بر وجوه گوناگون، انگیزه‌های معنوی و الهی را نیز به همراه می‌آورد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلِيَّاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ»^۱. لباس انسان را از سرما و گرما محافظت می‌کند. تقوا نیز فرد را از عذاب الهی ایمن نگه می‌دارد.^۲ امیرمؤمنان با استفاده از این آیه کریمه در خطبه‌ای جهاد را به‌عنوان لباس تقوا معرفی می‌نماید:

جهاد، جامه خویشتن‌بانی است و زره نفوذناپذیر الهی بر پیکر پیکارجویان و سپر اطمینان بخش او برای مجاهدان.^۳

و بدین طریق مفهوم و مصداق تقوا را از بعد فردی به بعد اجتماعی و سیاسی تسری می‌دهند چراکه صدق عنوان جامعه باتقوا، مستلزم اهتمام به کارهایی همچون جهاد است.^۴

امیرمؤمنان علیه السلام در فضایی که با تبلیغات مسموم معاویه، غیرت و حمیت دینی هدف قرار گرفته شده است با این تعبیر مردم را به نبرد با معاویه تشویق می‌کند. زمانی مردم مورد هجوم غارتگری‌های لشکریان معاویه قرار گرفتند که از جهاد خودداری نمودند. جهاد با نفس اماره نیز می‌تواند یکی از مصادیق این حدیث شریف باشد از این حیث که تقوی بدون مجاهده با نفس معنا ندارد و در حقیقت تقوا چیزی جز مجاهده نفسانی و اتیان عمل خالص نیست.^۵ در نتیجه جهاد لازمه یک هویت پویا و به دور از انفعال است.

در خطوات دشمن پیرامون حذف مؤلفه جهاد از گفتمان دینی به‌دست کشیدن و منصرف شدن مسلمین از «جهاد عملی و مبارزاتی» بسنده نمی‌شود بلکه به تعبیر امام «جهاد زبانی» و سپس «جهاد قلبی» نیز موردتهاجم قرار خواهد گرفت^۶ و بدین گونه جامعه از هویت دینی تهی می‌شود؛ بنابراین امام

۱. الاعراف / ۲۱.

۲. مغنیه، الکاشف، ج ۳، ص ۳۱۶.

۳. شریف الرضی، نهج البلاغه، خ ۲۷.

۴. نفیسی و افسردیر، «کارکرد تفسیری بینامتنیت نهج البلاغه با قرآن براساس نظریه ژرار ژنت»، پژوهشنامه نهج البلاغه، ش ۲۳،

ص ۱۰۲.

۵. نقوی قاننی، مفتاح السعادة، ج ۵، ص ۲۵۴.

۶. شریف الرضی، نهج البلاغه، ح ۳۷۵.

باتوجه به وجود این خطر جدی جهاد را لباس تقوا معرفی کرده تا معنای حقیقی جهاد را در مقابل «وارونه‌سازی حقایق و ارزش‌ها» از سوی دیگر گفتمان‌ها برجسته سازد.

۶. انقطاع عالمانه

تعلق خاطر به ظواهر دنیوی مانع از داشتن هویت مستقل دینی می‌شود و فرد را برای رسیدن به مقاصد دنیوی دچار تزلزل شخصیتی می‌نماید چراکه دنیادوستی اصل و اساس هر خطا و گناهی است.^۱ میان زهد و آزادگی پیوندی کهن و ناگسستگی برقرار است. به تعبیر شهید مطهری انسان، فطرتاً تمایل به تسلط و تملک اشیاء را دارد ولی آنجا که می‌بیند اشیاء به همان نسبت که در بیرون او را مقتدر ساخته، در درون ضعیف و زبونش ساخته است، در مقابل این حقارت طغیان می‌کند و نام این طغیان «زهد» است.^۲ در نتیجه یکی دیگر از مفاهیم هویت‌ساز در گفتمان دینی که با بهره‌گیری از آیات قرآن به کار گرفته شد زهد است که در موارد بسیاری در نهج‌البلاغه مورد سفارش حضرت قرار گرفته است. در فرایند هویت‌سازی مبتنی بر قرآن کریم حضرت از آیه شریفه‌ای به‌عنوان معیار و مقیاس زهد نام می‌برند:

الزُّهْدُ كُلُّهُ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ»^۳ وَ مَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَى الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ.^۴

بر همین مبنا آن اساسی که دو طرف زهد بر آن بنا شده، دل نبستن به دنیا است.^۵ زهد اسلامی در عین اینکه مستلزم انتخاب زندگی بی‌تکلف است و براساس پرهیز از تنعم و تجمل و لذت‌گرایی است، در متن زندگی و در بطن روابط اجتماعی قرار دارد و جامعه‌گرا است^۶ و نتیجه‌اش انقطاعی است که آگاهانه و از روی معرفت و شناخت می‌باشد.

نکته دیگر در باب ابعاد زهد این است که صرف ترک نمودن زینت‌های دنیوی و اظهار ضیق معاش حکایتگر زهد نبوده و زاهد را نمایانگر نیست چراکه هستند دنیاپرستانی که به اندکی از دنیا بسنده نموده و دست از دنیا کشیده‌اند اما هدفشان شهرت به زهد در نزد مردم است تا ممدوح آنان قرار گیرند. بنابراین زاهد حقیقی آن است که عالمانه و خالصانه مال و مقام را کنار می‌زند و نشانه‌اش آن است که فقر و غنا

۱. تمیمی آمدی، *غرر الحکم و درر الکلم*، ص ۱۶۸.

۲. مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۱۶، ص ۵۲۵.

۳. حدید / ۲۳.

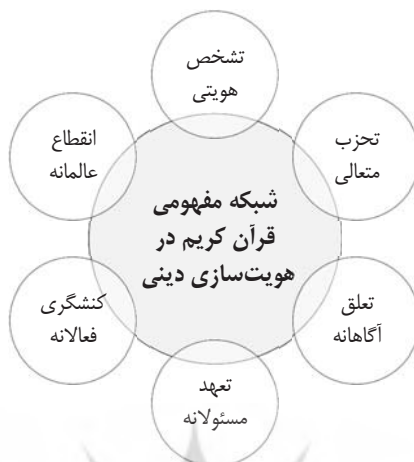
۴. شریف الرضی، *نهج‌البلاغه*، ج ۴۳۹.

۵. طباطبایی، *المیزان*، ج ۱۹، ص ۱۶۹.

۶. مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۱۶، ص ۵۱۶.

و عزت و ذلت و مدح و ذم در نزد او مساوی باشد؛ و سبب این حالت، غلبه انس با خداست.^۱

نمودار شبکه مفهومی قرآن کریم در هویت‌سازی



سه. التزام به نظرگاه قرآن‌شناختی در نقش عوامل فرامادی در هویت‌بخشی

در قرائت دینی از هویت، اولویت هستی‌شناسی دین و معنویت در تکوین شخصیت فرد و اجتماع امری اجتناب‌ناپذیر است و سوگیری‌های اجتماعی آحاد جامعه بر مدار میزان تعلقات معنوی آنها قرار دارد. خاستگاه التزام جوانجی و جوارحی به دین نیز فطرت الهی نهادینه شده در نفس آدمی است که در آیه شریفه ۳۰ سوره روم به آن اشاره شده است.^۲ توجه دادن انسان به روابط و عوامل غیرمادی و اعتقاد به کارکرد مؤلفه‌های دینی در گره‌گشایی‌های حیات انسان، ثبات قدم در مسیر را برای انسان میسر می‌سازد که برجسته‌سازی نقش تقوا در عبور از سختی‌ها یکی از این باورها است. خداوند متعال فرموده است «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»^۳ در این آیه، قانون تقوا و توکل به‌عنوان قانونی که ورای همه قوانین و حاکم بر همه آنهاست بیان شده است که بر همه قانون‌های دیگر «حکومت» می‌کند. طبق این کریمه، به‌دنبال توکل، عنایت پروردگار قطعی است. در عین حال برای اینکه فراموش نشود که کار خدا، نظام و قانونی دارد، بیان فرموده که «خدا برای هر چیزی اندازه و حسابی قرار داده است» یعنی کار او بدون قانون و بی‌وسیله نیست، هرچند که ممکن است آن وسیله، از وسایل عادی و راه‌های شناخته شده نبوده، بلکه «من حیث لا یحسب»^۴ باشد. امیرالمؤمنین علیه السلام با توجه به این آیه و آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

۱. نراقی، *معراج السعادة*، ص ۳۷۷.

۲. روم / ۳۰.

۳. طلاق / ۳ - ۲.

۴. مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۱، ص ۱۴۱.

إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا^۱ تقوا را راه نجات از بن بست فتنه‌ها و سبب نیل به جایگاه کرامت و بزرگی معرفی می‌فرماید.^۲

این تقوا و توکل موجد ایمانی می‌شود که در سختی‌ها استقامت و پایداری را همراه دارد که در آیه ۳۰ سوره فصلت^۳ سبب نزول ملائک برای اطمینان بخشی و بشارت به مؤمنین می‌گردد. امام در توصیه خویش به استقامت سپاهیان به مثابه رمز پیروزی فرمود:

شما بودید که گفتید، پروردگاران الله است. اینک با تکیه بر کتاب او و در راستای فرمانش و نیز در خط بندگیش، استقامت ورزید بی آنکه از آن خط گام بیرون نهید و انشعاب کنید، یا به بدعت گرایید و در صف مخالف موضع گیرید.^۴

چهار. بهره‌مندی از قرآن کریم برای خلق انگیزش هویتی

نقش‌آفرینی اثرگذار افراد در جامعه تأثیر شایان و نمایانی در صیانت از هویت جامعه در مقابل تهدیدات هویتی دارد. این مهم نیازمند انگیزه‌ای متعالی است تا زمینه‌ساز جزم علمی صائب و عزم عملی صالح برای ایستادگی در بحران‌ها و شرایط دشوار شود. در گفتمان امام آنچه موجد این تمایلات انگیزشی و رفتاری است تعبیر استفاده شده در آیات قرآن کریم برای مؤمنان با کلامی اندیشه‌برانگیز و بیدارگرایانه است.

در شرایطی که هویت دینی موردتهاجم گفتمان‌های رقیب قرار گرفت امیرمؤمنان علیه السلام در میدان جنگ جهت ایجاد انگیزه، تقویت روحیه و تشجیع سپاهیان به جنگ با لشکر معاویه با ذکر آیه‌ای با محتوای دستور به پرهیز از سستی در نبرد و برتر بودن مسلمانان در جنگ و قطعی بودن پیروزی‌شان^۵ هویت اصیل مسلمین را به آنان یادآوری می‌کند و می‌فرماید:

شما همراه و هم‌رزم پسرعموی رسول خدایید... و به سوی شهادت، رها و سبک‌بال بشتابید که «وَإِنَّكُمْ أَلْعَلُونَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرُكُمْ أَعْمَالَكُمْ»^۶.

این سخن برای سپاهیان یادآور این آیه است که خداوند می‌فرماید: «فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ

۱. انفال / ۲۹.

۲. شریف الرضی، نهج‌البلاغه، خ ۱۸۳.

۳. فصلت / ۳۰.

۴. شریف الرضی، نهج‌البلاغه، خ ۱۷۶.

۵. فلاح، «بررسی روابط بینامتنی قرآن با نهج‌البلاغه»، همایش بینامتنیت (التناص)، ج ۵، ص ۶.

۶. شریف الرضی، نهج‌البلاغه، خ ۶۶.

وَأَنْتُمْ أَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَكُنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالِكُمْ^۱ و این خود عامل روحیه‌بخش و موجد انگیزه برای آنان است. قلت نفرات و کمی پیروان عاملی است که می‌تواند هویت‌پذیران را دچار ترس و واهمه نماید اما می‌توان گفت روحیه نیروها پراهمیت‌ترین عامل در جنگ است و هر گروهی که با نیروی روحی قوی‌تر به میدان نبرد وارد شود، معمولاً دشمنان قادر نخواهند بود در مقابل آن ایستادگی کنند.^۲ ترس و هراس از کمی نفرات، هر آینه می‌تواند موجب عقب‌نشینی و عدول افراد از ارزش‌ها گردد از همین روی امام با ذکر آیه‌ای از قرآن کریم سنت الهی را در این زمینه یادآور می‌شود و هشدار می‌دهد که کمبود رهروان نباید سبب وحشت گردد کما اینکه رضایت اجتماع مردم در پی کردن ناقه نمود همه آنان را سزاوار عذاب ساخت.^۳

پنج. پایبندی به منطق قرآن‌شناختی در مواجهه با لغزشگاه‌های هویتی

مغرور شدن به نعمت‌های دنیوی و مایوس شدن به جهت مصائب دنیوی هر دو لغزشگاهی است که می‌تواند هویت انسان را تحت تأثیر قرار دهد. سبک‌شناسی رفتار معیار در مواجهه با «سهولت‌ها و صعوبت‌های دنیوی» با بهره‌گیری از سنت‌های الهی و قوانین تقدیر شده آن^۴ می‌تواند از این بحران هویتی جلوگیری نماید. گام اول شناخت حکمت امتحانات است. شکوفایی استعداد افراد در جهت هویت‌یابی صحیح یکی از آن موارد است که امیرمؤمنان علیه السلام در بیان حکمت آن می‌فرماید: تا نیکوکارترین مردم، از بوته آزمون پیروز درآیند تا مزد آنان پاداشی و شکنجه آنان کیفری باشد.^۵ پس از مشخص شدن حکمت و هدف از این امور، واکنش مطلوب انسان در برابر آنها موردنظر قرار می‌گیرد. علاوه بر استعاده به پروردگار برای در امان ماندن از گمراهی‌ها^۶ تبدیل تهدیدهایی مانند عصیان‌گری و طغیانگری در برابر ثروت‌ها و موهبت‌ها به فرصت‌هایی برای نیکوکاری و بخشندگی بخشی از این راهبرد است که حضرت در این باره غنیمت‌شماری فرصت‌ها، مناجات در دل شب، روزه‌داری و انفاق قبل از پایان یافتن مهلت را از جمله اموری برمی‌شمارد که انسان را در این آزمون و سنجش پیروز می‌گرداند.^۸

۱. محمد / ۳۵.

۲. افتخاری و رهنمود، «تحلیل عناصر قدرت نظامی در سیره علوی با تأکید بر جنگ صفین»، *آفاق امنیت*، ش ۴۲، ص ۲۹.

۳. شریف‌الرضی، *نهج البلاغه*، خ ۲۰۱.

۴. شعراء / ۱۵۷.

۵. انفال / ۲۸؛ توبه / ۱۶.

۶. *نهج البلاغه*، خ ۱۴۴.

۷. همان، ح ۹۳.

۸. همان، خ ۱۸۳.

مشروع‌پنداری دنیازدگی با توجیهاات دینی و قرآنی از جمله مهم‌ترین لغزشگاه‌هایی بود که شاکله هویتی مردم را تغییر داده بود. ابوالاسود نقل می‌کند طلحه و زبیر پس از مشاهده اموال بیت‌المال آن را وعده خداوند به خودشان پنداشته و سپس این آیه قرآن را خواندند «وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ»^۱ و این آیه را به نفع خود تاویل نمودند^۲ و گفتند «ما سزاوارتر از هر کس به این اموال هستیم»^۳ اما در مقابل، در پایان غائله لحظه‌ای که دیدگان امام به اموال بیت‌المال افتاد فرمود: «ای طلا ای نفره کس دیگری غیر از مرا بفریب» و در گزارش دیگری آمده است که حضرت فرمود: «هنا ههنا و الناس يحتاجون»^۴ و اموال را بین مردم به‌طور مساوی تقسیم نمود.^۵ و بدین‌گونه حضرت با رفتار خود به ابطال قرائت اشرافی و دنیازده از دین پرداخت.

شنش. شناسایی عوامل بحران‌ساز هویتی مبتنی بر فرهنگ معیار قرآن کریم

تزلزل و تشکیک در مشخصات و ممیزات هویتی از سوی افراد یک جامعه بحران هویتی را رقم می‌زند. از این‌روی آگاهی از مختصات مرزهای هویتی از رهگذر آیات قرآنی و شناخت دقیق عواملی که منجر به بحران‌های هویتی می‌گردد می‌تواند موجب و موجد تحفظ بر اصول و اساس هویت جامعه شود. دقت در سرگذشت اقوام گذشته با هدف شناسایی عوامل «هویت‌سوز» از جمله محورهایی است که با شناخت سنت‌های الهی می‌توان به آنها دست یافت. امیرمؤمنان علیه السلام در موارد متعددی با مطرح کردن سرگذشت پیشینیان و علل نابودی آنان به تبیین این عوامل اقدام فرمود و به تامل در احوال آن امته‌ها سفارش نمود.^۶ بر این اساس ترک تناهی یکی از عوامل اخلاص‌گر در هویت اجتماعی محسوب می‌گردد. «هویت مسئولانه» و متعهدانه نسبت به اجتماع اقتضاء آن دارد که فرد در برابر انحرافات جامعه بدون حساسیت عبور نکرده و نسبت به آن دغدغه‌مند باشد. از نظرگاه امیرمؤمنان خداوند سبحان، مردم قرون گذشته را تنها از آن روی لعنت فرستاد که امر به معروف و نهی از منکر را وا نهادند. پس خداوند بر سفیهان و سبک‌سرانشان به سبب ارتکاب گناهان و نیز بر افراد وزین و خویشان‌دارشان برای جلوگیری نکردن لعنت فرستاد.^۷

۱. الفتح/ ۲۰.

۲. ریاحی و موسوی، «تأثیر هوای نفس در فتنه‌های عصر امام علی علیه السلام»، پژوهش‌های اخلاقی، ش یک، ص ۸۶.

۳. شیخ مفید، *الجمال*، ص ۴۰۱.

۴. بلاذری، *أنساب الأشراف*، ج ۲، ص ۱۳۳.

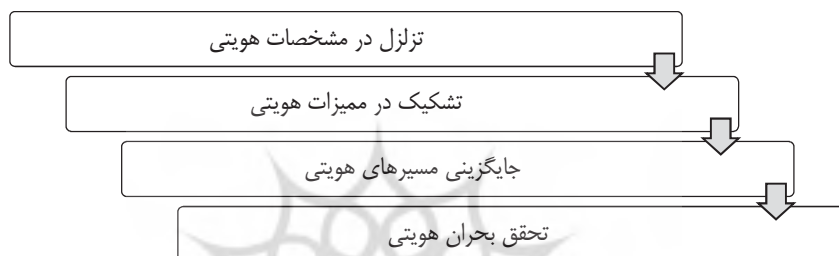
۵. شیخ مفید، *الجمال*، ص ۴۰۲.

۶. *نهج البلاغه*، خ ۱۹۲.

۷. همان، خ ۱۹۲.

مورد دیگری که با بررسی سرگذشت امم گذشته می‌توان در انحراف هویتی و در نتیجه نابودی آنان دخیل دانست جلوگیری و مانع تراشی بر سر راه مردم در طی طریق صحیح و جایگزین کردن مسیرهای انحرافی است. هنگامی که چنین عملی در جامعه رواج یافت و مردم از رسیدن به حوائج و خواسته‌های خویش منع شدند و تنها راه را استفاده از روش‌های نادرست دیدند بالاجبار رشوه‌خواری و فساد را برای نیل به اهداف خویش برمی‌گزینند و از سوی دیگر با مشاهده سران خویش در فساد از آنها پیروی می‌کنند و سیر هویت خویش را مطابق با مسیر آنان می‌سازند.^۱

نمودار بسترشناسی پیدایی بحران‌های هویتی



هفت. تثبیت و تعمیق مرزهای هویتی با استناد به آیات قرآن کریم

کاربست واژگان و نشانگان دینی مانوس و معهود در اذهان مردم به منظور معرفت‌افزایی و تشخیص تمایزات هویتی، رویکردی بود در فرایند تمایزبخشی مبتنی بر کلام وحی به مشخص شدن مرزهای هویتی منجر شد. امام در نامه ۳۲ نهج‌البلاغه،^۲ تضعیف هویت دینی مردم در این عصر را پیامد ضعف هویت دینی معاویه می‌داند و با نشانگان کلیدی «خَدَعَتْهُمْ، الظُّلْمَاتُ، الشُّبُهَاتُ، اعْقَابُ، اهلِ الْبَصَائِرِ، فَاتَّقِ اللَّهَ، الشَّيْطَانَ، الدُّيُوتَاوِ الْآخِرَةَ» او را درباره شبهه‌افکنی‌های دینی در اذهان مردم و انحراف آنان از مسیر حق سرزنش می‌کند.^۳ به‌وسیله این واژگان و همچنین تبیین دقیق ریشه و منشا اصلی اقدامات خصمانه معاویه که از کفر و کراهت وی نسبت به اسلام نشئت می‌گرفت و یادآوری آنها به مردم، وجوه تمایز و افتراق دو گفتمان از یکدیگر کاملاً مشخص می‌شد. تشبیه به شیطان از مهم‌ترین تشبیهاتی است که در کلام حضرت درباره معاویه ذکر شده است.^۴ علاوه بر این امام علی علیه السلام فرمان حرکت به سوی صفین را

۱. همان، ن ۷۹.

۲. همان، ن ۳۲.

۳. محمص، ذیلابی، «بازنمایی هویت معاویه در نامه‌های نهج‌البلاغه با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی»، *مطالعات فهم حدیث*،

ش پیاپی ۱۲، ص ۸۵

۴. *نهج‌البلاغه*، ن ۴۴.

چنین صادر کرد: «سِرُّوا إِلَيَّ اَعْدَاءَ اللّٰهِ سِرُّوا إِلَيَّ اَعْدَاءَ السُّنَنِ وَالْقُرْآنِ»^۱ استفاده از عنوان «اعداء الله» و همچنین عباراتی نظیر «بقیه الاحزاب» که در سخنان دیگر حضرت نیز وجود دارد تداعی گر نبردهای لشکر اسلام با لشکر کفر در صدر اسلام بوده و برای مردم برانگیزاننده و احیاگر هویت ساخته شده در دوران رسول خدا بود کما اینکه حضرت در توصیف معاویه عدم وجود پیشینه‌ای درست در اسلام و همچنین سابقه دیرینه معاویه و پدرش در دشمنی و مبارزه با اسلام^۲ را عنوان نموده و بدین طریق مرزبندی‌های هویتی را تبیین می‌فرماید. این تمایز هویتی به درستی در وجود یارانی همچون قیس بن سعد نهادینه گشت تا جایی که در صفین خطاب به انصار این‌گونه می‌گوید:

شما زیر این پرچم پیکار می‌کنید که جبرائیل و میکائیل در سمت راست و چپش پیکار می‌کردند و آن گروه زیر پرچم ابوجهل و احزاب (مخالف اسلام) قرار گرفته‌اند.^۳

همخوانی تعبیر نکوهش‌آمیز امام نسبت به معاویه با آیات قرآن کریم درباره منافقان^۴ بیانگر هویت حقیقی و واقعی معاویه بوده و پیوند حقیقی دو جریان معاویه و منافقان را با یکدیگر نشان می‌دهد. نظیر تشبیه و تمثیلی که خداوند متعال برای بیان ویژگی‌ها و خصوصیات منافقان، از آن بهره برده است را می‌توان در کلام امیرمؤمنان علیه السلام درباره معاویه یافت. تشبیه به کسی که پیروانش را در دریایی تاریک و مواج رها کرده است و در نتیجه راه نجاتی برای آنان نیست از جمله آنهاست. امام علیه السلام معاویه را عامل هلاکت و گمراهی مردم معرفی می‌فرماید که سیر قهقرایی مردم و خروجشان از دین را سبب شده است.^۵ این تشبیه را می‌توان هم‌ردیف تشبیه منافق به انسان گم شده در بیابان تاریک دانست که در قرآن آمده است.^۶

افشای ماهیت منافقین با استفاده از عنوان حزب الشیطان^۷ و همچنین تبیین خطوات و خطرات این گروه برای جامعه یکی دیگر از اقداماتی بود که برای آشکار شدن مرزبندی‌های هویتی مطرح شد کما اینکه در سوره مجادله آیه نوزده از منافقان به حزب شیطان تعبیر شده است.^۸ «حزب الشیطان»، بهترین

۱. منقری، *وقعة الصفین*، ص ۹۴.

۲. طبری، *تاریخ الأمم و الملوک*، ج ۵، ص ۸.

۳. منقری، *وقعة صفین*، ص ۴۴۶.

۴. کفش کنان، مردانی (گلستانی)، «تحلیل تطبیقی نامه‌های امام علی علیه السلام به معاویه با آیات نفاق قرآن»، *حدیث اندیشه*، ش ۱۸، ص ۸۶ - ۸۵.

۵. *نهج البلاغه*، ن ۳۲.

۶. کفش کنان و مردانی (گلستانی)، «تحلیل تطبیقی نامه‌های امام علی علیه السلام به معاویه با آیات نفاق قرآن»، *حدیث اندیشه*، ش ۱۸، ص ۹۲.

۷. *نهج البلاغه*، خ ۱۹۴.

۸. *المجادله* / ۱۹.

تعبیری است که میزان خطر و چگونگی رخنه این افراد در میان مسلمین را نشان می‌دهد چراکه این افراد در درون جامعه بوده و پیوندهای مختلفی با مؤمنان دارند و وجود همین پیوندها و عدم شناخت آنها مبارزه را پیچیده‌تر می‌سازد. این جهات و جهات دیگری سبب می‌شود که آنها ضایعات جبران‌ناپذیری برای جوامع به بارآورند و به همین دلیل برای دفع شر آنها باید برنامه‌ریزی دقیق و وسیعی داشت.^۱

نتیجه

توسل به متون وحیانی در جهت فراهم آوری مبانی هویت‌سازی مبتنی بر دین و توجه به مرکزیت و مرجعیت سیره اهل‌بیت علیهم السلام در راستای رسیدن به فهم آگاهانه از شیوه هویت‌سازی مطلوب، اهمیت و ضرورتی انکارناپذیر دارد. تغییر و تحریف در معانی و مفاهیم هویت‌ساز که پس از رحلت رسول‌الله صورت پذیرفته بود جامعه اسلامی را با بحران هویتی عبور از ارزش‌های دینی مواجه ساخته بود. بنابراین طرد و حذف این تلقی‌های موهوم و تبیین و احیای مفاهیم هویت‌ساز مبتنی بر معارف قرآن کریم رویکردی بود که در سیره امیرمؤمنان علیه السلام به آن پرداخته شد. مفاهیم مختلف هویتی همچون تشخص، تعلق و تحزب معنای قرآنی خود را دریافت و دریافت‌های ناصواب از آنها ابطال گردید. همچنین با توجه به جایگاه ویژه سنن الهی در قرآن کریم کاربست و تفسیر این سنن در جهت هدایت هویت جامعه به سمت هویت مطلوب، بخش دیگری از راهبرد حضرت بود که با استفاده از آموزه‌های قرآنی صورت پذیرفت. استفاده از ظرفیت آیات قرآن کریم برای افشای ماهیت دشمنان و راهزنان هویتی نیز به مشخص شدن هرچه بیشتر مرزبندی‌های هویتی منجر شد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

۱. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله، شرح نهج‌البلاغه، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، چ دوم، ۱۳۸۵ ق.

۲. ابن‌حیون، نعمان بن محمد، دعائم‌الاسلام، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، چ دوم، ۱۳۸۵ ق.

۳. ابن‌بابویه (صدوق)، محمد بن علی، الامالی، تهران، کتابچی، چ ششم، ۱۳۷۶ ش.

۴. افروغ، عماد و مجید مبینی مقدس، «بحران هویت فرهنگی؛ رویکردهای سازه‌گرا و ذات‌گرا»،

پژوهش‌های فرهنگ و تربیت اسلامی، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳.

۱. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۱۶۷.

۵. افتخاری، اصغر و سعید رهنمود، «تحلیل عناصر قدرت نظامی در سیره علوی با تأکید بر جنگ صفین»، *آفاق امنیت*، سال دوازدهم، ش چهل و دوم، بهار ۱۳۹۸.
۶. بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، بیروت، دار الفکر، چ اول، ۱۴۱۷ ق.
۷. پارسانیا، حمید، *جهان‌های اجتماعی*، قم، کتاب فردا، چ دوم، ۱۳۹۱.
۸. پارسانیا، حمید، «علم و هویت»، *فصلنامه اسراء*، ش ۱، پاییز ۱۳۸۸.
۹. تاجیک، محمدرضا، «انسان مدرن و معمای هویت»، *مطالعات ملی*، ۲۱، سال ششم، ش یک، ۱۳۸۴.
۱۰. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم و درر الکلم*، قم، چ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۱. جعفریان، رسول، *سیره رسول خدا ﷺ*، دلیل ما، قم، چ سوم، ۱۳۸۳.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، *ادب فنای مقربان*، قم، اسراء، چ اول، اسفند ۱۳۸۳.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء، چ سوم، زمستان ۱۳۹۳.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، *نسبت دین و دنیا*، قم، اسراء، ۱۳۹۴.
۱۵. خضری، علی، «جلوه‌هایی از بینامتنیت قرآنی در نهج البلاغه»، *همایش بینامتنیت (التناس)*، ج ۳، قم، پاییز ۱۳۹۳.
۱۶. دغیم، سمیح، *موسوعة مصطلحات فخرالدین الرازی*، بیروت، ناشرون، چ ۱، ۲۰۰۱ م.
۱۷. رشاد، علی اکبر، *دموکراسی قدسی*، قم، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ دوم، ۱۳۸۲.
۱۸. رشاد، علی اکبر، سایت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷ - ۰۴ - ۲۵، <http://iict.ac.ir>.
۱۹. زکی، محمدعلی، «شناخت قرآن از زبان امام علی علیه السلام در نهج البلاغه»، *کنگره بازخوانی ابعاد شخصیتی امیرالمؤمنین علی علیه السلام*، اصفهان، ۱۳۹۸.
۲۰. ریاحی، محمدعلی و سید رضا موسوی، «تأثیر هوای نفس در فتنه‌های عصر امام علی علیه السلام»، *پژوهش‌های اخلاقی*، سال هفتم، ش یک، پائیز ۱۳۹۵.
۲۱. سجادی، جعفر، *فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، چ ۱، ۱۳۷۹.
۲۲. سید قطب، سید ابراهیم، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق، ۱۴۲۵ ق.
۲۳. شریف الرضی، محمد بن حسین، *نهج البلاغه*، محقق: صالح، صبحی، قم، دار الهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۲۴. شکرپیگی، نرگس، «ثمرات فردی اجتماعی هویت دینی با تأکید بر معارف قرآن کریم و روایات»، *اسلام و مطالعات اجتماعی*، سال هشتم، ش ۱، تابستان ۱۳۹۹.

سبک‌شناسی امیرمؤمنان علیه السلام در بهره‌مندی از قرآن کریم به مثابه منبع هویت‌ساز دینی در بازه زمانی حکومت □ ۹۹

۲۵. شیخ مفید، محمد بن محمد، *الجمال و النصره لسید العترة فی حرب البصره*، کنگره شیخ مفید، قم، چ اول، ۱۴۱۳ ق.
۲۶. طباطبایی، محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چ ۲، ۱۳۹۰ ق.
۲۷. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت، دار التراث، چ دوم، ۱۳۸۷ ق.
۲۸. طوسی، محمد بن الحسن، *الامالی*، قم، چ اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۹. عرفان، امیرمحسن، «سبک‌شناسی مواجهه امامان معصوم علیهم السلام با مدعیان دروغین مهدویت»، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، سال شش، ش ۱۹، تابستان ۱۳۹۴.
۳۰. علم الهدی، جمیله، «هویت از منظر قرآن و فلاسفه»، *مجله بینات*، سال چهاردهم، ش ۵۵، پاییز ۱۳۸۶.
۳۱. علیخانی، علی اکبر، «برابری و نابرابری سیاسی در اندیشه سیاسی امام علی»، *علوم سیاسی*، سال سوم، ش ۱، زمستان ۱۳۸۶.
۳۲. فخر زارع، سیدحسین، صورت‌بندی هویت در گفت‌وگو میان توحیدمحور قرآنی، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال یازدهم، ش ۱، زمستان ۱۳۹۸.
۳۳. فلاح، ابراهیم، «بررسی روابط بینامتنی قرآن با نهج البلاغه»، *همایش بینامتنیت (التناس)*، ج ۵، قم، پاییز ۱۳۹۳.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الإسلامية، چ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۳۵. کافی، مجید، *تاریخ در قرآن*، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، سبحان، چ اول زمستان ۱۳۹۶.
۳۶. کشی، محمد بن عمر، *رجال الکشی - إختيار معرفة الرجال*، محقق / مصحح: طوسی، محمد بن الحسن / مصطفوی، حسن، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، چ اول، ۱۴۰۹ ق.
۳۷. کفش کنان، محمدحسن و مهدی مردانی (گلستانی)، «تحلیل تطبیقی نامه‌های امام علی علیه السلام به معاویه با آیات نفاق قرآن»، *حدیث اندیشه*، ش هجدهم، پائیز و زمستان ۱۳۹۳.
۳۸. گل محمدی، احمد، *جهانی شدن، فرهنگ، هویت*، تهران، نشر نی، چ چهارم، ۱۳۸۹.
۳۹. گیدنز، آنتونی، *جامعه‌شناسی، همکاری کارن بردسال*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی، چ اول، ویراست چهارم، ۱۳۸۶.
۴۰. مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چ ۲، ۱۴۰۳ ق.

۴۱. محمص، مرضیه و نگار ذیلابی، «بازنمایی هویت معاویه در نامه‌های نهج البلاغه با رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی»، *مطالعات فهم حدیث*، سال ششم، ش دوم، پیاپی ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۹.
۴۲. محمص، مرضیه، *هویت اجتماعی در نگره امام علی* علیه السلام، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۹۸.
۴۳. المرعشی التستری، القاضی نور الله، *إحقاق الحق و إزهاق الباطل*، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چ ۱، ۱۴۰۹ ق.
۴۴. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، چ ۷، ۱۳۸۴.
۴۵. مغنیه، محمدجواد، *تفسیر الکاشف*، قم، دار الکتب الإسلامی، چ ۱، ۱۴۲۴ ق.
۴۶. مکارم شیرازی ناصر، *پیام امام امیرالمؤمنین* علیه السلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چ اول، ۱۳۸۶.
۴۷. مکارم شیرازی ناصر، *نفحات الولاية*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، چ دوم، ۱۴۲۶ ق.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چ ۱۰، ۱۳۷۱.
۴۹. منقری، نصر بن مزاحم، *وقعة الصفین*، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۵۰. نراقی، احمد، *معراج السعادة*، قم، هجرت، ۱۳۷۸.
۵۱. نفیسی شادی و حسین افسردیر، «کارکرد تفسیری بینامتنیت نهج البلاغه با قرآن براساس نظریه ژرار ژنت»، *پژوهشنامه نهج البلاغه*، سال ششم، ش ۲۳، پاییز ۱۳۹۷.
۵۲. نقوی قاننی، محمدتقی، *مفتاح السعادة*، تهران، مکتبه المصطفوی، بی تا.
۵۳. نقی پورفر، ولی الله، *پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن*، تهران، اسوه، چ ۴، ۱۳۸۱.
۵۴. نظری، علی اشرف، «تبیین مفهوم هویت از چشم‌انداز گفتمانی»، *فصلنامه راهبرد*، سال هفدهم، ش ۴۹، زمستان ۱۳۸۷.
۵۵. نیکنام، مژگان، *هویت، مبانی، نظریات، انواع و چشم‌اندازها*، تهران، تزکیه، چ اول، ۱۳۹۸.
۵۶. هاشمی خویی، حبیب‌الله، *منهاج البراعة*، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۰ ق.